

اثربخشی برنامه های آموزش فلسفه بر هوش هیجانی زنان شرکت کننده در همایش دیدن

افسانه سلیمی^۱، مژگان سپاه منصور^۲، آریتا سید نصیری^۳

^۱ کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیک تهران، ایران
^۲ دکتری، روانشناسی، عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیک تهران، ایران
^۳ کارشناس ارشد، مشاوره راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات خمین، ایران

نویسنده مسئول:

افسانه سلیمی



چکیده

پژوهش حاضر به منظور «تاثیر آموزش فلسفه بر هوش هیجانی زنان شرکت کننده در همایش دیدن» در سال ۹۶-۹۷ انجام گردید. روش: روش پژوهش توصیفی از نوع نیمه آزمایشی بوده و جامعه آماری شامل کلیه زنان شرکت کننده در همایش دیدن می باشد که از جامعه نمونه به تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی متناسب با حجم جامعه در دو گروه آزمایش و کنترل انتخاب شدند. و به منظور سنجش متغیرهای مورد استفاده در پژوهش از پورتکل آموزشی فلسفه دیدن و پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان استفاده گردید. یافته ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان می دهد که بین گروه ها از نظر متغیرهای هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. به این معناست که آموزش فلسفه توانسته است در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل، موجب افزایش (هوش هیجانی (۰/۲۴)، گردد. و بین گروه ها از نظر ابعاد هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: فلسفه، هوش هیجانی، همایش دیدن.

مقدمه

فلسفه مطالعه واقعیت است، اما نه آن جنبه ای از واقعیت که علوم گوناگون بدان پرداخته اند. به عنوان نمونه، علم فیزیک درباره اجسام مادی از آن جنبه که حرکت و سکون دارند و علم زیست شناسی درباره موجودات از آن حیث که حیات دارند، به پژوهش و بررسی می پردازد. ولی در فلسفه کلی ترین امری که بتوان با آن سر و کار داشت، یعنی وجود موضوع تفکر قرار می گیرد؛ به عبارت دیگر، در فلسفه، اصل وجود به طور مطلق و فارغ از هر گونه قید و شرطی مطرح می گردد. (تقی پورظهیر، توکلی، ۱۳۹۰). گرچه درباره تعریف فلسفه مباحث فراوان مطرح است، اما به طور کلی برای فلسفه دو اصطلاح رایج است یک اصطلاح قدما که اصطلاح شایع است برابر این اصطلاح چون فلسفه یک لفظ عام است تعریف خاصی برای آن وجود ندارد و مطلق دانش عقلی را می توان فلسفه نامید. اما اصطلاح دیگری نیز برای فلسفه وجود دارد که برابر این اصطلاح فلسفه تعریف خاصی می تواند داشته باشد لذا براساس این اصطلاح در تعریف فلسفه گفته اند: فلسفه عبارت از علم و شناخت موجود از آن جهت که موجود است نه از آن جهت که تعین خاصی دارد مثلاً جسم است، انسان یا گیاه است و مانند آن، بنابراین به طور خلاصه فلسفه به آن دانشی گفته می شود که درباره هستی با قطع نظر از مصادق آن بحث می کند. به عبارت دیگر فلسفه آن علمی است که درباره کلی ترین مسایل هستی که مربوط به هیچ موضوع خاصی نیست و به همه موضوعات هم مربوط است بحث می کند و همه هستی را به عنوان یک موضوع در نظر گرفته و درباره آن بحث می کند. (پیتر سو مایکل، ۱۹۹۱)^۱ در تحقیقاتی که توسط بابا گلی، بلاغت، (۱۳۹۵) با عنوان مطالعه رابطه روح فلسفی و هوش معنوی با کیفیت تدریس معلمان مقطع متوسطه صورت گرفت نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین روح فلسفی و هوش معنوی با کیفیت تدریس و همچنین بین روح فلسفی و هوش معنوی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. از ابعاد روح فلسفی، طرفداری از ارزش های انسانی، کنجکاوی، نوجویی و ژرفاندیشی و از ابعاد هوش معنوی، پرداختن به سجایای اخلاقی و تفکر کلی و بعد اعتقادی، قادر به پیش بینی کیفیت تدریس می باشند. همچنین در پژوهشی که توسط مرعشی، سنجر، صفایی مقدم، الهام پور، (۱۳۹۵) با عنوان بررسی رابطه ذهنیت فلسفی با هوش معنوی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز صورت گرفت. نتایج نشان دهنده آن بود که به جز عدم وجود رابطه معنادار بین انعطاف پذیری و درک سرچشمه هستی، بین سایر خرده مقیاس های دو متغیر اصلی پژوهش رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. موجود به عنوان خودش و فارغ از هر گونه قید و شرط موضوع فلسفه است، اما باید توجه داشت که موجود که به عنوان موضوع فلسفه مطرح می شود مراد مفهوم آن نیست بلکه مصداق خارجی آن مراد است، پس موضوع فلسفه در حقیقت همان واقعیت است که از آن به موجود یاد می شود، فیلسوف بعد از آن که به واقع پرداخت، از دو حال بیرون نیست یا مصداق و آنچه مفهوم وجود بر آن صادق است به عنوان مصداق واقعیت می شناسد و می یابد. و یا افراد ماهیت را مصداق واقعیت می پندارد. در صورت اول موضوع فلسفه او وجود است و در صورت دوم موضوع فلسفه او ماهیة محققه و موجوده است نه ماهیة من حیث هی فائده (نادری، سیفی نراقی، شریعتمداری، ۱۳۹۱) کلمه هوش تحت عنوان «عقل و خرد»^۲ از دیرباز در مباحث فلسفی و ادبیات گوناگون به کار رفته است، اما مطالعه آن به شکل علمی از اوایل قرن بیستم آغاز شد. هوش در لغت به فهم، شعور، درک، آگاهی، بیداری، بجا بودن حواس، زیرکی و زرنگی، و عقل و خرد معنا شده است اما مفهوم اصطلاحی هوش از دیدگاه روان شناسی «جوهر دانایی و یا توانایی یادگیری»^۳ است. در واقع، هوش را ابزار و قابلیت یادگیری و شناخت می دانیم که به وسیله آن انسان می تواند بیندیشد، استدلال کند، خودش را با شرایط مورد نظر سازش دهد، اطلاعات و آگاهی های خود را منظم کند و لغات و کلمات را یاد بگیرد و به کار برد (زارعی متین، خیراندیش، جهانی، ۱۳۹۰). در حوزه روان شناسی ریشه های تئوری هوش هیجانی به آغاز نهضت هوش هیجانی باز می گردد. ای. ال. ثرندایک^۴، استاد روان شناسی آموزشی در کالج معلمین دانشگاه کلمبیا یکی از اولین کسانی بود که جنبه هایی از هوش هیجانی را تحت عنوان هوش اجتماعی مطرح کرد (فاطمی، ۱۳۸۸). سالووی و مایر^۵ (۱۹۹۰): «هوش هیجانی نوعی هوش اجتماعی است که با توانایی نظارت بر هیجانات خود و دیگران، تشخیص آنها و استفاده از اطلاعات برای راهنمایی اعمال و تفکر خود، سر و کار دارد». بار-آن معتقد است؛ افرادی که دارای هوش هیجانی بالا هستند، عموماً در برخورد با خواست ها و فشارهای محیطی عملکرد موفقیت آمیزتری دارند. او همچنین معتقد است که نقص و نارسایی در هوش هیجانی می تواند بعنوان عدم موفقیت و وجود مشکلات هیجانی معنی شود. (ابراهیمی مقدم، فکرتی، ۱۳۹۴).

¹ - Peter Sue Michael

² - Wisdom and wisdom

³ - Ink of knowledge or ability to learn

⁴ - Thrandike

⁵ - Salvay and Meyer

نریمانی، زاهد، (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «بر رابطه ذهن آگاهی، سبک‌های مقابله‌ای و هوش هیجانی با سلامت روانی در دانشجویان انجام داده اند. نتایج پژوهش نشان داد که ذهن آگاهی با سبک‌های مقابله‌ای مسئله مدار رابطه مثبت و معنی دار ($P > 0/01$) و با سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار ($P > 0/01$) رابطه منفی و معنی‌داری دارد. سبک‌های مقابله‌ای مسئله مدار با سلامت روانی (نشانه‌هایی از افکار و احساسات نابهنجار) رابطه مثبت دارد ($P > 0/01$). ذهن آگاهی با سلامت روانی (نشانه‌هایی از افکار و احساسات نابهنجار) و هوش هیجانی رابطه ندارد، و نیز بین هوش هیجانی و سلامت روانی رابطه معناداری یافت نشد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان داد که ۷ درصد از واریانس سبک‌های مقابله‌ای مسئله مدار و ۵ درصد از واریانس سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار از طریق ذهن آگاهی تبیین می‌شود. همچنین ۱۰ درصد از واریانس سلامت روانی از طریق سبک‌های مقابله‌ای مسئله مدار و ۱۸ درصد از واریانس سلامت روانی از طریق سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار تبیین می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار پیش‌بینی کننده بهتری برای سلامت روانی از جهت نشانه‌های منفی آن می باشد. هوش هیجانی نشان می‌دهد که چرا دو نفر با IQ یکسان، ممکن است به درجات بسیار متفاوتی از موفقیت در زندگی دست یابند. هوش هیجانی یک عنصر بنیادین از رفتار انسان است که جدا و متفاوت از هوش شناختی (عقل) عمل می‌کند. بین IQ و EQ هیچ رابطه شناخته شده‌ای وجود ندارد. شما اصلاً نمی‌توانید از روی هوش شناختی یا IQ یک نفر هوش هیجانی او را حدس بزنید. این یک خبر خوب است زیرا هوش شناختی یا IQ انعطاف پذیر نیست IQ از همان لحظه تولد ثابت است یا دستکم ثابت نسبی دارد. مگر اینکه یک تصادف، مثلاً آسیب مغزی آن را تغییر دهد، هیچ کس با یادگیری واقعیت‌های جدید یا فرا گرفتن اطلاعات عمومی بیشتر باهوش نمی‌شود، هوش شناختی یعنی توانایی یادگیری. اما برعکس، هوش هیجانی، مهارتی انعطاف پذیر است که به آسانی آموخته می‌شود، با اینکه بعضی مردم، نسبت به دیگران، به طور طبیعی هوش هیجانی بالاتری دارند، کسی که حتی بدون هوش هیجانی به دنیا آمده است باز هم می‌تواند در خود، EQ بالا به وجود آورد. هوش هیجانی یعنی توانایی مهار عواطف و تعادل برقرار کردن بین احساسات و منطق، به طوری که ما را به حداکثر خوشبختی برساند. هوش هیجانی همان توانایی شناخت، درک و تنظیم هیجان‌ها و استفاده از آنها در زندگی است (خنیف، پور حسینی، ۱۳۹۶). توانایی زیر نظر گرفتن احساسات و هیجان‌ها و دیگران، تمایز گذاشتن بین آنها و استفاده از اطلاعات حاصل از آنها در تفکر و اعمال خود». وقتی حرف از هوش هیجانی است اولین موضوعی که باید در مورد آن سخن گفت هیجان‌انگیزی است. چرا که مطابق تعریف ابتدا باید این هیجان‌ها شناخته شوند و سپس در مورد کنترل آنها در خودمان و دیگران سخن گفته شود. از نظر اندیشمندان مبحث هوش هیجانی، انسان دارای ۵ هیجان عمده است. خشم، ترس، شرم، شادی و غم. افراد انسان با این ۵ هیجان تعریف می‌شوند و معمولاً انسانی پیدا نمی‌شود که این ۵ هیجان را نداشته باشد. روابط انسانی را این هیجان‌ها و چگونگی شناخت و مدیریت آنها در خویش و در دیگران است. لازم به ذکر است که از میان این ۵ هیجان، هیجان‌های خشم و شادی مسری هستند و به سادگی سرایت می‌کنند. اگر در مکانی که خشم وجود دارد قرار بگیریم به احتمال زیاد ما هم خشمگین خواهیم شد و شادی هم چنین وضعیتی دارد و سرایت می‌کند. (فلاحی، ۲۰۱۵). روابط انسانی را این هیجان‌ها شکل می‌دهند. نوع مدیریت این هیجان‌ها در هر شخص تعیین می‌کند که چگونه باید با دیگران ارتباط برقرار کند. طبیعی است که اگر کسی نتواند هیجان‌ها را بشناسد و نتواند آنها را مدیریت کند نمی‌تواند هیجان‌ها را شناخته و تصمیمات به موقع بگیرد (دیو پیرز، جوهانس، ۲۰۱۲). پاشا، گلشکوه، (۱۳۹۶) در تحقیقی که با عنوان «تاثیر هوش هیجانی بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی، دانش آموزان دارای اختلالات هیجانی رفتاری صورت گرفت که. نتایج نشان داد که آموزش هوش هیجانی باعث افزایش سازگاری (۰/۰۱) با استفاده از آموزش هوش هیجانی به دانش‌آموزانی که دارای اختلال هیجانی، رفتاری هستند می‌توان سازگاری آن‌ها را افزایش، پرخاشگری آن‌ها را کاهش داد و در نهایت موجب افزایش کیفیت زندگی آن‌ها در تعامل با خانواده و اجتماع شد. در واقع این پژوهش هماهنگ با پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد، هوش هیجانی عاملی تأثیرگذار و تعیین‌کننده در موقعیت‌های زندگی واقعی مانند موفقیت در مدرسه و تحصیل، موفقیت در شغل و روابط بین شخصی است. هوش هیجانی، هوش غیرشناختی است که مشتمل بر درک عواطف و احساسات و استفاده درست از آنها، تصمیم‌های مناسب و به موقع، توانایی اداره مطلوب خلق و خو و کنترل رفتارها و مهارت‌های اجتماعی مطلوب است. در واقع، هوش عاطفی مجموعه‌ای از توانایی‌هاست که انسان را قادر به ساماندهی و مدیریت احساسات و عواطف خود و دیگران می‌کند. به علاوه، هوش هیجانی، استفاده مناسب از عواطف و حالت‌های خلقی برای حل مشکلات و داشتن یک زندگی مفید، خلاقانه و لذت‌بخش را ممکن می‌کند. توجه به هوش عاطفی

6 - Emotional intelligence

7 - Du Preez, Johannes G. A.

به این دلیل اهمیت دارد که به سازگاری فرد با محیط (زندگی، مدرسه، کار و...) و نیز با خودش، می‌پردازد (هاشمی، ۱۳۹۶). بحث درباره اهمیت هوش هیجانی نسل حاضر، به ویژه نوجوانان و جوانان در جهان نسبت به گذشته افزایش چشم‌گیری داشته است زیرا آنان افسرده‌تر، منزوی‌تر، خشمگین‌تر، سرکش‌تر، عصبی‌تر، پرخاشگرتر و بیش از گذشته تابع امیال آنی و زودگذر خویش هستند (گلمن، ۱۹۹۵)^۸. به علاوه، صاحب‌نظران از جمله گلمن ضمن مهم شمردن هوش شناختی و هیجانی، ۸۰ درصد از موفقیت‌های افراد را در گروهی مهارت‌هایی می‌دانند که مرتبط با هوش هیجانی است. باید اذعان کرد که در عصر حاضر و با توجه به پیشرفت‌های روزافزون دانش و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، نسل امروز از هوش شناختی بالایی برخوردار است اما متأسفانه در قابلیت‌های هوش هیجانی خود دچار مشکلات جدی است (محمدخانی، باش قره، ۱۳۸۷). به اعتقاد ارسطو، لازم است هوش و عقلانیت، مهار زندگی هیجانی ما را برعهده گیرد. از دیدگاه وی، مشکل انسان در این نیست که از هیجان و احساس برخوردار است؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، مناسب بودن هیجان‌ها و چگونگی ابراز آنها است. امروزه برای پاسخ دادن به این‌گونه پرسش‌ها برخی از روان‌شناسان مفهوم جدیدی به نام هوش هیجانی یا عاطفی را وارد ادبیات روان‌شناسی معاصر کرده‌اند (امیر نیا، ۱۳۹۳). نقش به نسبت ثابت شده هوش هیجانی در پیشگیری و تعدیل اختلال‌های جسمانی و روانی از یک طرف و لزوم توجه به قابلیت‌های هیجانی از سوی دیگر، ضرورت پرداختن به مسائلی همچون بررسی سطح هوش هیجانی در خانواده‌ها، دانشگاه‌ها، سازمانها و دیگر سطوح اجتماعی را که می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای سطح بهداشت روانی اعضای جامعه باشد، اجتناب ناپذیر می‌سازد. انسان با برخورداری از هوش هیجانی، به زندگی خود نظم و ثبات می‌بخشد، به طوری که هر شخص با هوش هیجانی بالا وقایع منفی کمتری را در زندگی تجربه می‌کند. افراد دارای هوش هیجانی بالاتر می‌توانند با موفقیت بیشتری با مشکلات موجود در محیط‌های کاری و زندگی‌شان مقابله کنند و از سلامت روان و رضایت شغلی بیشتری برخوردار باشند (عدالت مقدم، زارع داویجانی، ۱۳۹۵). اهمیت هوش هیجانی و در آموزش فلسفه طی سه دهه گذشته، از سوی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان مد نظر قرار داده شده؛ به گونه‌ای که انتشار کتاب‌های مستقل در این حوزه نشان دهنده اهمیت توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان نسبت به ضرورت، نقش و اهمیت موضوع هوش هیجانی در آموزش فلسفه است. در آموزش فلسفه (در قالب درس مبانی فلسفه تعلیم و تربیت)، باید توجه خاصی نسبت به تقویت و مهارت‌های ذهن آگاهی و هوش هیجانی زنان به طور عام و زنان شاغل به طور مشخص به عمل آید (پینل، ۲۰۱۱ ترجمه فیروز بخت، ۱۳۹۲). لذا پژوهش حاضر با هدف تبیین متغیرهای آموزش فلسفه، تنظیم هیجانی در همایش دیدن می‌باشد و همچنین شناخت جامعه و مسولان و خانواده‌ها درباره‌ی این مهارت و آموزش مورد نظر می‌باشد تا در این مسیر همت گمارند. در این پژوهش برآنیم تا به دور از مفاهیم و اصطلاحات فنی، به بررسی چگونگی تاثیر آموزش فلسفه بر هوش هیجانی زنان شرکت‌کننده در همایش دیدن بپردازیم؟

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به گردآوری داده‌ها از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد جامعه آماری در پژوهش حاضر کلیه شرکت‌کنندگان زن در همایش دیدن می‌باشد. از جامعه آماری پژوهش؛ نمونه‌ای به حجم ۳۰ نفر در دو گروه ۱۵ نفری از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر عبارتست از: مطالعات کتابخانه ای و کتابهای علمی و تخصصی، مقالات، پایان نامه ها و تحقیقات دیگر، ادبیات موضوع بررسی شده و مبنای پرسشنامه مربوط به، پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان و پورتکل آموزشی فلسفه استفاده شده است

***پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان**

با توجه به اهمیت هوش هیجانی در زندگی، لزوم دسترسی به ابزار سنجش مناسبی در این زمینه وجود دارد که متناسب با فرهنگ و جامعه ی ایرانی قابل کاربرد باشد. در این زمینه، ضمن جستجو در منابع اطلاعاتی، پرسشنامه ی هوش هیجانی بار-ان، به دلیل جامعیت، سادگی، تنوع سوالات و نابسنگی به فرهنگ غیر ایرانی، انتخاب گردید. پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان در مورد میزان هوش غیر شناختی (هیجانی، شخصی و اجتماعی) گزارش می دهد و در محیط های آموزشی، صنعتی، بالینی و طبی، قابلیت کاربرد را داراست. پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان در سال ۱۹۸۰ با طرح این سوال که «چرا بعضی مردم نسبت به بعضی دیگر در زندگی موفق ترند» آغاز گردید. فرم اولیه ی این آزمون دارای ۱۱۷ سوال و ۱۵ مقیاس بود که توسط بار-ان بر روی ۳۸۳۱ نفر از ۶ کشور (آرژانتین، آلمان، هند، نیجریه و آفریقای جنوبی) که ۴۸۰۸ درصد آنان مرد و ۵۱۰۲ آنان زن بوده اند اجرا شده و به طور سیستماتیک در آمریکای شمالی هنجاریابی گردید. هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان در ایران توسط راحله سموعی و همکاران، در سه دانشگاه شهر اصفهان صورت پذیرفته و فرم نهایی آن به ۹۰ سوال تقلیل یافته است.

پروتکل آموزشی همایش دیدن

جلسه اول		چهارشنبه صبح (۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰)
۱	معرفی و خوش آمدگویی	معرفی تیم آموزش و معرفی تک تک شرکت کنندگان
۲	شرح دوره و هدف دوره	دوره بر پایه و اساس هستی شناسی طراحی و تنظیم شده است.
۳	حوزه جستجو و کنکاش	الف- مبحث اهمیت: دیدن موضوعاتی با تاثیر عملی و کاربردی بر جوانب زندگی. ب- دل مشغولی: دیدن موضوعاتی بدون تاثیر عملی و کاربردی در جوانب زندگی ج- در میان گذاشتن درک خود از مطلب در گروه های چهار نفره با تفاوت دیدگاه قبل و جدید
جلسه دوم		چهارشنبه بعد از ظهر (۱۵:۳۰ الی ۲۰:۳۰)
۱	حوزه اختلاف خواسته	الف- بازی اجبار کارت ها ب- مبحث اجبار: اجبار شخصی و اجبار نقشی مورد بررسی قرار میگیرد. ج- بازی تقاضا کارت ها ه- مبحث درخواست: دو بینش متفاوت تقاضا و خواهش ز- در میان گذاشتن درک خود از مطلب در گروه های چهار نفره با تفاوت دیدگاه قبل و جدید.
جلسه سوم		پنجشنبه صبح (۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰)
۱	حوزه موافقت یا مخالفت با دیگری	الف- بازی آری به وجود: در مقابل فردی قرار گرفته و به او «آری» یا «نه» بگویند. ب- بازی آری به نقش: در مقابل یکدیگر قرار گرفته به فردی «آری» یا «نه» گفته و سپس یا دفتر خویش را به او می دهد یا نمی دهد. ج- مبحث آری به وجود-آری یا نه به نقش: در این مرحله تفاوت بین دو بازی آری و نه

		گفتن به نقش یکدیگر،
۲	حوزه تصمیم گیری	الف- تشریح دایره امکان: دیدن تمام امکانات موجود برای تصمیم گیری. ب- مبحث عکس العمل: واکنش ما غیر ارادی است نه بهترین انتخاب در دایره ی امکان. ج- مبحث عمل: بررسی بهترین امکان ممکن در دایره ی امکان. د- جدول بازی: پرداختن به نحوه ی شکل گیری عکس العمل های ما در زمان تصمیم گیری.
جلسه چهارم پنجشنبه بعد از ظهر (۱۵:۳۰ الی ۲۰:۳۰)		
۱	نمی توانم ها	الف- جدول نمی توانم ها: دیدن ناتوانی هایی که باعث احساس نامطلوب به خود شده است. ب- مبحث نمی توانم ها: پیدا کردن نکات کلیدی که منجر به عدم پذیرش خویش می شود.
۲	بازی زنجیره ها	الف- آماده سازی ب- انجام بازی ج- تشریح بازی زنجیره
جلسه پنجم جمعه صبح (۸:۳۰ الی ۱۳:۳۰)		
۱	حوزه برد و باخت	الف- بازی برد و باخت ب- مبحث کسب مقام: دیدن افتخار و مقام در جایگاه برد با حفظ رقابت. ج- مبحث کسب فایده: دیدن فراوانی منابع امکانات و امتیازات بدون رقابت و با حفظ همکاری. د- کار گروهی: از شرکت کنندگان خواسته می شود در گروههای ۴ نفره تجربیات خود را با یکدیگر سهیم شوند.
۲	حوزه اختلاف نظر	الف- کار گروهی اختلاف نظر: در میان گذاشتن یک مورد اختلاف نظر خود با اعضای خانواده در گروه چهار نفره. ب- مبحث تفاهم توافق: به معرفی این دو زمین بازی و قوانین این دو زمین بازی پرداخته میشود. ج- در میان گذاشتن درک خود از مطلب در گروه های چهار نفره با تفاوت دیدگاه قبل و جدید.
جلسه ششم جمعه بعد از ظهر (۱۵:۳۰ الی ۲۰:۳۰)		
۱	حوزه تمامیت	الف- مبحث من می بینم: دیدن بازی های قرار مند ، فایده رسان و آشکار پذیر و حضور برای دیگران. ب- کار گروهی: نوشتن نامه ایی برای پدر مادر و یکی از عزیزان و دیدن زیبایی ها یا خوبی هایشان.

جلسه هفتم دو هفته ی بعد (۱۵:۳۰ الی ۲۰:۳۰)		
۱	سهیم شدن	هدف از این پروسه آشکار شدن نتایج عملی دوره
۲	حوزه با هم بودن	الف- بازی با هم بودن مرحله اول یار شدن با نفر پشت سر برای صرف چای و گفتگو. مرحله دوم: پساز آنتراک و نشستن روی صندلی پشت به یار خود با چشم بسته و پرسیدن سوالاتی از جزئیات یارشان. ب- مبحث با هم بودن: دیدن بودن با حضور و بودن بی حضور. ج- کار گروهی دوم: دیدن نحوه ی بودن خویش با خانواده در بودن با حضور یا بی حضور.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در پژوهش حاضر آمار توصیفی شامل فراوانی؛ درصد؛ میانگین؛ انحراف معیار می باشد. و آمار استنباطی شامل (تحلیل کواریانس چندمتغیره MANCOVA) می باشد، تمامی تحلیل ها به کمک نرم افزار SPSS¹⁷ انجام شد.

* یافته های توصیفی

در این قسمت توصیف آماری (میانگین، انحراف معیار و ...) نمونه مورد پژوهش از نظر هوش هیجانی و در قالب نمودار و جدول مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت، توزیع آماری نمونه بر حسب متغیرهای پژوهش و هر یک از ابعاد آن برای پیش آزمون و پس آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل مورد بررسی قرار می گیرد. به همین منظور ابتدا به شرح میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و ذهن آگاهی و هر یک از ابعاد آن ها به صورت جداگانه در پیش آزمون و پس آزمون پرداخته می شود. سپس در یک جدول کلی میانگین هر یک از این ابعاد در پیش آزمون و پس آزمون آورده خواهد شد.

هوش هیجانی

در این قسمت توصیف آماری (میانگین، و انحراف معیار) پرسشنامه در قالب جداول، مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول شماره (۱): مقایسه میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و ابعاد آن در پیش آزمون، پس آزمون گروه کنترل و آزمایش

پس آزمون		پیش آزمون		گروه	
				گروه آزمایش	مؤلفه حل مسئله شادمانی استقلال تحمل فشار روانی خودشکوفایی خودآگاهی
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	گروه کنترل	
۰/۵۲۶	۳/۹۱	۰/۶۰۴	۲/۴۲	گروه آزمایش	
۰/۵۲۷	۳/۶۶	۰/۳۲۷	۲/۶۷	گروه کنترل	
۰/۴۳۴	۳/۶۶	۰/۵۴۰	۲/۴۴	گروه آزمایش	
۰/۴۷۲	۳/۵۳	۰/۳۶۴	۲/۸۴	گروه کنترل	
۰/۳۸۵	۳/۶۷	۰/۵۶۸	۲/۷۱	گروه آزمایش	
۰/۴۲۳	۳/۵۳	۰/۴۳۲	۲/۹۶	گروه کنترل	
۰/۶۱۶	۳/۷۷	۰/۶۲۵	۳/۱۲	گروه آزمایش	
۰/۶۵۸	۳/۳۷	۰/۴۱۷	۲/۹۲	گروه کنترل	
۰/۵۵۹	۳/۸۵	۰/۵۵۹	۲/۸۳	گروه آزمایش	
۰/۷۶۳	۳/۳۵	۰/۴۰۷	۳/۲۴	گروه کنترل	
۰/۵۳۹	۳/۸۷	۰/۴۴۸	۲/۹۴		
۰/۶۹۶	۳/۶۳	۰/۴۷۱	۳/۰۹		

				گروه آزمایش	
				گروه کنترل	
۰/۱۶۳۷	۳/۸۷	۰/۱۶۴۲	۲/۴۸	گروه آزمایش	واقع گرایی روابط بین فردی خوش بینی احترام خویشترنداری انعطاف پذیری مسئولیت پذیری همدلی خودابرازی هوش هیجانی
۰/۱۷۷۳	۳/۵۹	۰/۱۴۱۵	۳/۰۴	گروه کنترل	
۰/۱۴۳۹	۳/۷۲	۰/۱۷۳۴	۲/۷۴	گروه آزمایش	
۰/۱۸۱۰	۳/۵۱	۰/۱۵۶۵	۳/۰۴	گروه کنترل	
۰/۱۲۸۷	۳/۸۱	۰/۱۴۵۸	۲/۵۷	گروه آزمایش	
۰/۱۸۷۹	۳/۴۳	۰/۱۴۹۴	۳/۲۷	گروه کنترل	
۰/۱۴۸۶	۳/۷۸	۰/۳۱۸	۲/۸۸	گروه آزمایش	
۰/۱۷۹۹	۳/۳۶	۰/۱۵۰۳	۳/۴۲	گروه کنترل	
۰/۱۲۵۵	۳/۷۹	۰/۱۵۹۲	۳/۰۱	گروه آزمایش	
۰/۱۸۵۳	۳/۴۵	۰/۳۹۳	۳/۲۴	گروه کنترل	
۰/۱۴۳۴	۳/۵۶	۰/۱۷۴۷	۲/۶۰	گروه آزمایش	
۰/۱۸۱۶	۳/۵۲	۰/۱۴۲۱	۳/۲۲	گروه کنترل	
۰/۱۴۳۸	۳/۶۷	۰/۱۷۲۳	۲/۴۲	گروه آزمایش	
۰/۱۷۳۶	۳/۶۰	۰/۱۴۵۸	۳/۱۷	گروه کنترل	
۰/۱۵۸۰	۳/۷۴	۰/۱۵۰۳	۲/۵۲	گروه آزمایش	
۰/۱۸۲۰	۳/۴۵	۰/۱۵۲۹	۳/۱۱	گروه کنترل	
۰/۳۹۶	۳/۷۲	۰/۳۸۵	۲/۶۷	گروه آزمایش	
۰/۱۵۸۰	۳/۵۲	۰/۱۵۹۷	۲/۹۸	گروه کنترل	
۰/۳۷۸	۳/۷۷	۰/۱۴۸۲	۲/۶۹	گروه آزمایش	
۰/۱۶۴۱	۳/۵۰	۳/۰۷	۳/۰۷	گروه کنترل	



نمودار شماره (۱): مقیاس میانگین هوش هیجانی و ابعاد آن در پیش آزمون، پس آزمون گروه کنترل و آزمایش

همانطور که جدول فوق نشان می دهد میانگین «هوش هیجانی» گروه آزمایش (۲/۶۹) و کنترل (۳/۰۷) در پیش آزمون می باشد. اما میانگین «هوش هیجانی» در پس آزمون دو گروه کنترل و آزمایش تفاوت زیادی با هم پیدا کرده اند. به گونه ای که میانگین «هوش هیجانی» در گروه آزمایش از ۲/۶۹ به ۳/۷۷ افزایش یافته است. اما این مهارت در گروه کنترل افزایش چندانی نداشته است و فقط از ۳/۰۷ به ۳/۵۰ رسیده است. این امر نشان می دهد که میانگین «هوش هیجانی» گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل افزایش یافته است. سایر یافته های پژوهش همچنین نشان داد که آموزش فلسفه در همه ابعاد هوش هیجانی تأثیر گذاشته و باعث افزایش آن شده است.

*تحلیل استنباطی داده ها

زمانی که رگرسیون به طرف میانگین به طور معنی داری اندازه گیری پس آزمون را تحت تأثیر قرار دهد، هنگام اجرای پیش آزمون و پس آزمون یا اگر بخواهیم گروهها را جهت مقایسه از نظر یک متغیر، قابل مقایسه کنیم، از تحلیل کوواریانس استفاده می نماییم (سن، ۱۹۹۴؛ اورال، ۱۹۹۳؛ بونت، ۲۰۰۰). تفسیر تحلیل کوواریانس با تحلیل واریانس متفاوت است. چرا که تحلیل واریانس بر اساس فرض صفر، فرض می کند که میانگین نمرات در پس آزمون مساوی است، اما تحلیل کوواریانس فرض می کند که میانگین نمرات پس آزمون مساوی است به شرطی که میانگین نمرات گروهها در پیش آزمون مساوی باشند. پیش فرضهای کوواریانس شامل نرمال بودن توزیع نمرات، همگنی واریانس گروهها، آزمون تحلیل کوواریانس نسبت به دو پیش فرض اول توانمند است (استیونس، ۱۹۹۰، به نقل از سرمد، ۱۳۸۴). برای آزمون فرضیه های پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیره (MANCOVA) استفاده شده است. قبل از اجرای آزمون تحلیل کوواریانس، پیش فرضهای آن (آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، آزمون لوین، یکسانی شیب رگرسیون) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج در ادامه گزارش می شود. همانطور که در ادامه توضیح داده شده است، پیش فرض های آزمون تحلیل کوواریانس یک راه (فرض نرمال بودن داده ها، همگنی واریانس گروهها و بررسی همگنی رگرسیون) تأیید شده است، لذا به همین منظور از این آزمون می توان استفاده کرد.

الف) فرض نرمال بودن داده ها

قبل از استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس، باید فرض نرمال بودن داده ها تایید شود. طبق آزمون طبق آزمون کولموگروف-اسمیرنوف اگر فرض صفر مبنی بر نرمال بودن داده ها تأیید شود، می توان برای ادامه تحلیلها از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده کرد، در غیر اینصورت نباید از این آزمون استفاده کرد. در ادامه به بررسی این فرض پرداخته می شود.

جدول شماره (۲): آزمون کلومگروف - اسمیرنف مبنی بر نرمال بودن داده برای هوش هیجانی

مؤلفه	نوبت آزمون	کلومگروف - اسمیرنف	معنی داری
حل مسئله	پیش آزمون	۰/۱۶۱	۰/۰۵۲
	پس آزمون	۰/۱۳۳	۰/۱۸۳
	پیش آزمون	۰/۱۴۹	۰/۰۸۸
	پس آزمون	۰/۱۳۰	۰/۲۰۰
	پیش آزمون	۰/۱۴۶	۰/۰۹۵
	پس آزمون	۰/۱۵۸	۰/۰۵۷
	پیش آزمون	۰/۱۳۴	۰/۱۸۱
	پس آزمون	۰/۱۴۰	۰/۲۰۰
	پیش آزمون	۰/۱۳۰	۰/۲۰۰
	پس آزمون	۰/۱۱۲	۰/۲۰۰
	پیش آزمون	۰/۱۵۳	۰/۰۵۲
	پس آزمون		

۰/۲۰۰	۰/۱۲۰	پیش آزمون	شادمانی استقلال تحمل فشار روانی خودشکوفایی خودآگاهی واقع گرایی روابط بین فردی خوش بینی احترام خویشنداری انعطاف پذیری مسئولیت پذیری همدلی خودابرازی هوش هیجانی
۰/۰۶۹	۰/۱۵۴	پس آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۱۶	پیش آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۰۱	پس آزمون	
۰/۰۶۱	۰/۱۵۶	پیش آزمون	
۰/۱۵۰	۰/۱۳۸	پس آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۱۸	پیش آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۲۰	پس آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۲۵	پیش آزمون	
۰/۰۷۴	۰/۱۵۲	پس آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۳۲	پیش آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۱۴	پس آزمون	
۰/۲۰۰	۰/۱۰۸		
۰/۲۰۰	۰/۱۲۵		
۰/۱۸۵	۰/۱۳۹		
۰/۲۰۰	۰/۱۰۲		
۰/۲۰۰	۰/۰۸۸		
۰/۲۰۰	۰/۱۱۱		
۰/۱۶۰	۰/۱۳۷		
۰/۲۰۰	۰/۱۲۴		
۰/۲۰۰	۰/۱۰۷		

آزمون کلومگروف اسمیرنوف برای پیش آزمون و برای پس آزمون که تمامی ابعاد ذهن آگاهی و هوش هیجانی، نشان داد که از توزیع نرمالی برخوردار است و به همین دلیل از آزمون تحلیل کواریانس می توان استفاده کرد. در واقع نتایج خروجی فوق نشان می دهد که مقدارهای p در آزمون فوق الذکر از ۰/۰۵ بزرگتر است. فرض صفر در آزمون کلومگروف - اسمیرونف، پیروی داده ها از توزیع مورد نظر (که در اینجا توزیع نرمال است) می باشد. فرضیه مقابل آن عبارت است از عدم پیروی داده ها از توزیع مورد نظر (که در اینجا توزیع نرمال است)، با توجه به مقدار P و عدم رد فرضیه صفر، توزیع داده ها منطبق بر توزیع نرمال قلمداد می-گردد.

جدول (۳): آزمون همگنی واریانس گروهها (هوش هیجانی)

مؤلفه	نوبت آزمون	آزمون لوین	Df1	Df2	معنی داری
	پیش آزمون				
	پس آزمون				
	پیش آزمون				
	پس آزمون	۰/۹۲۰	۱	۲۸	۰/۳۷۴
	پیش آزمون	۰/۰۴۷	۱	۲۸	۰/۸۳۰
	پس آزمون	۰/۴۷۳	۱	۲۸	۰/۴۹۷
	پیش آزمون	۰/۴۲۰	۱	۲۸	۰/۵۲۲
حل مسئله	پس آزمون	۰/۱۵۷	۱	۲۸	۰/۶۹۵
شادمانی	پیش آزمون	۰/۹۲۵	۱	۲۸	۰/۳۴۴
استقلال	پس آزمون	۲/۹۰۶	۱	۲۸	۰/۰۹۹
فشار روانی	پیش آزمون	۰/۰۰۸	۱	۲۸	۰/۹۲۸
خودشکوفایی	پس آزمون	۱/۵۴۵	۱	۲۸	۰/۲۲۴
خودآگاهی	پیش آزمون	۱/۵۳۹	۱	۲۸	۰/۲۲۵
واقع گرایی	پس آزمون	۰/۰۵۹	۱	۲۸	۰/۸۱۰
روابط بین فردی	پیش آزمون	۱/۵۳۲	۱	۲۸	۰/۲۲۶
خوش بینی	پس آزمون	۳/۷۵۶	۱	۲۸	۰/۰۷۳
احترام	پیش آزمون	۰/۹۴۲	۱	۲۸	۰/۳۴۰
	پس آزمون	۱/۱۴۲	۱	۲۸	۰/۲۹۴
	پیش آزمون	۳/۵۱۵	۱	۲۸	۰/۰۹۶
	پس آزمون	۰/۴۸۰	۱	۲۸	۰/۴۹۴
		۱/۵۹۳	۱	۲۸	۰/۲۱۸
		۴/۱۴۵	۱	۲۸	۰/۰۵۱
		۲/۸۱۹	۱	۲۸	۰/۱۰۱

۰/۱۴۳	۲۸	۱	۲/۲۷۱	پیش آزمون	خوبستنداری
۰/۳۲۷	۲۸	۱	۱/۱۳۸	پس آزمون	انعطاف پذیری
۰/۳۰۴	۲۸	۱	۱/۱۹۴	پیش آزمون	مسئولیت پذیری
۰/۲۳۳	۲۸	۱	۱/۴۵۶	پس آزمون	همدلی
۰/۰۵۶	۲۸	۱	۳/۹۶۱	پیش آزمون	خودابرازی
۰/۰۶۱	۲۸	۱	۳/۷۳۹	پس آزمون	هوش هیجانی
۰/۹۴۵	۲۸	۱	۰/۰۰۵	پیش آزمون	
۰/۱۱۵	۲۸	۱	۲/۶۵۳	پس آزمون	
۰/۳۵۳	۲۸	۱	۰/۸۹۱	پیش آزمون	
۰/۲۸۱	۲۸	۱	۱/۲۰۸	پس آزمون	
۰/۱۸۰	۲۸	۱	۱/۸۹۲	پیش آزمون	
۰/۴۵۱	۲۸	۱	۰/۸۳۴	پس آزمون	

معمولا چنانچه سطح معناداری در آزمون لوین (Levence)، که در جدول (۳) با sig نمایش داده می شود، بیشتر از ۰/۰۵ باشد، می توان گفت واریانس گروه ها از تجانس برخوردار است. فرض صفر در این آزمون این است که واریانس دو گروه دارای تجانس است. با توجه به sig جدول که از ۰/۰۵ بیشتر است، فرض مقابل رد و فرض صفر قبول می شود. در واقع با توجه به اینکه فرض همگنی واریانس ها رعایت شده است، از آزمون تحلیل کواریانس می توان استفاده کرد.

عدم یکسانی ماتریس کوواریانس گروهها

دومین فرضی که باید بررسی شود، آزمون عدم یکسانی ماتریس کوواریانس دو گروه است. این فرض از طریق آزمون ام باکس بررسی می شود. نتایج آزمون ام باکس را در جدول (۴) نشان داده ایم.

جدول (۴): نتایج آزمون ام باکس برای متغیر هوش هیجانی

عوامل	آماره آزمون
مقدار ام باکس	۳۱۹/۵۴۸
مقدار F	۱/۳۴۴
درجه آزادی ۱	۱۰۵
درجه آزادی ۲	۲۴۴۲/۴۷۰
سطح تحت پوشش آماره آزمون	۰/۰۱۳

نتایج این تحلیل نشان دهنده رد فرض H0 و پذیرش فرض H1 (ناهمسانی ماتریس واریانس کوواریانس گروه ها) است و با توجه به اینکه اجرای روش تحلیل تشخیصی مبتنی بر روش نابرابری ماتریس کوواریانس گروهها است، این شرط نیز برقرار است.

فرضیه اول: آموزش فلسفه بر هوش هیجانی زنان شرکت کننده در همایش دیدن تأثیر دارد.

جدول (۵): نتایج تحلیل کواریانس تفاوت کلی گروه ها در پس آزمون متغیرهای وابسته (هوش هیجانی)

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری
اثر پیلایی	۰/۷۵۹	۸/۲۶۴	۴	۵۴	۰/۰۰۰
لامبداویکلز	۰/۳۶۱	۸/۶۴۱	۴	۵۲	۰/۰۰۰
اثر هتلینگ	۱/۴۳۸	۸/۹۸۶	۴	۵۰	۰/۰۰۰
بزرگترین ریشه خطا	۱/۱۴۷	۱۵/۴۸۹	۲	۲۷	۰/۰۰۰

جدول شماره (۵) نشان می‌دهد که تمامی آزمون‌ها حاکی از تفاوت معنادار بین گروهی هستند. یعنی حداقل در یکی از متغیرهای مورد مقایسه، بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد. آزمون پیگیری در جدول بعدی گزارش می‌شود.

جدول (۶): نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تفاوت متغیرها بین گروه ها

متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	sig	میزان اثر	توان آزمون
هوش هیجانی	۲/۴۳۱	۲	۱/۲۱۶	۵/۵۵۴	۰/۰۱۰	۰/۲۴	۰/۸۱۲

نتایج تحلیل کواریانس نشان می‌دهد که بین گروه ها از نظر متغیرهای هوش هیجانی و ذهن آگاهی تفاوت معناداری وجود دارد. این به این معناست که آموزش فلسفه توانسته است در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل، موجب افزایش (هوش هیجانی) (۰/۲۴)، گردد.

فرضیه دوم: آموزش فلسفه بر ابعاد هوش هیجانی زنان شرکت کننده در همایش دیدن تأثیر دارد.

جدول (۷): نتایج تحلیل کواریانس تفاوت کلی گروه ها در پس آزمون متغیرهای وابسته (ابعاد هوش هیجانی)

نام آزمون	مقدار	F	df فرضیه	df خطا	سطح معناداری
اثر پیلایی	۱/۳۵۹	۱/۹۷۸	۳۰	۲۸	۰/۰۳۷
لامبداویکلز	۰/۰۹۹	۱/۸۸۹	۳۰	۲۶	۰/۰۴۹
اثر هتلینگ	۴/۴۳۸	۱/۷۹۳	۳۰	۲۴	۰/۰۴۵
بزرگترین ریشه خطا	۲/۸۷۱	۲/۶۸۰	۱۵	۱۴	۰/۰۳۶

جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که تمامی آزمون‌ها حاکی از تفاوت معنادار بین گروهی هستند. یعنی حداقل در یکی از متغیرهای مورد مقایسه، بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد. آزمون پیگیری در جدول بعدی گزارش می‌شود.

جدول (۸): نتایج تحلیل کواریانس چند متغیری تفاوت متغیرها بین گروه ها

توان آزمون	میزان اثر	Sig	مقدار F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	متغیر وابسته	
۰/۳۷۸							حل مسئله	۱
۰/۷۰۴	۰/۰۶۵	۰/۱۵۳					شادمانی	۲
۰/۷۱۸	۰/۱۸۷	۰/۰۲۳					استقلال	۳
۰/۹۵۰	۰/۱۹۴	۰/۰۲۱			۲		فشار روانی	۴
۰/۸۸۹	۰/۳۴۵	۰/۰۰۱	۲/۰۱۱	۰/۵۳۳	۲	۱/۰۶۶	خودشکوفایی	۵
۰/۸۷۲	۰/۲۸۷	۰/۰۰۴	۴/۳۴۵	۰/۷۱۵	۲	۱/۴۳۰	خودآگاهی	۶
۰/۸۸۵	۰/۲۷۵	۰/۰۰۵	۴/۴۸۳	۰/۵۹۲	۲	۱/۱۸۴	واقع گرایی	۷
۰/۸۰۴	۰/۲۸۴	۰/۰۰۴	۸/۶۴۷	۲/۴۵۸	۲	۴/۹۱۵	روابط بین فردی	۸
۰/۴۳۵	۰/۲۳۴	۰/۰۱۰	۶/۸۴۹	۲/۴۲۶	۲	۴/۸۵۲	خوش بینی	۹
۰/۵۱۰	۰/۰۸۵	۰/۱۱۴	۶/۵۱۳	۱/۸۴۲	۲	۳/۶۸۳	احترام	۱۰
۰/۶۴۶	۰/۱۱۲	۰/۰۷۶	۶/۷۵۴	۲/۴۳۱	۲	۴/۸۶۳	خویش‌تنداری	۱۱
۰/۹۰۵	۰/۱۶۴	۰/۰۳۴	۵/۴۴۱	۱/۷۵۷	۲	۳/۵۱۳	انعطاف پذیری	۱۲
۰/۵۶۵	۰/۳۰۰	۰/۰۰۳	۲/۳۵۵	۰/۹۶۹	۲	۱/۹۳۹	مسئولیت پذیری	۱۳
۰/۹۷۳	۰/۱۳۳	۰/۰۵۶	۲/۸۳۸	۰/۱۷۶	۲	۲/۳۵۱	همدلی	۱۴
۰/۵۱۵	۰/۳۸۳	۰/۰۰۱	۳/۸۳۵	۱/۳۲۱	۲	۲/۶۴۱	خودابرازی	۱۵
	۰/۱۱۴	۰/۰۷۴	۷/۲۰۶	۲/۰۸۵	۲	۴/۱۷۰		
			۳/۲۲۱	۰/۹۹۶	۲	۱/۹۹۱		
			۹/۹۹۵	۳/۱۳۹	۲	۶/۲۷۷		
			۲/۸۷۱	۰/۶۳۳	۲	۱/۲۶۶		
					۲			

نتایج تحلیل کواریانس نشان می دهد که بین گروه ها از نظر ابعاد هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد. این به این معناست که آموزش فلسفه توانسته است در گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل، موجب افزایش حل مسئله (۰/۰۶۵)، شادمانی (۰/۱۸۷)، استقلال (۰/۱۹۴)، فشار روانی (۰/۳۴۵)، خودشکوفایی (۰/۲۸۷)، خودآگاهی (۰/۲۷۵)، واقع گرایی (۰/۲۸۴)، روابط بین فردی (۰/۲۳۴)، احترام (۰/۱۱۲)، خوش بینی (۰/۰۸۵)، خویش‌تنداری (۰/۱۶۴)، انعطاف پذیری (۰/۳۰۰)، مسئولیت پذیری (۰/۱۳۳)، همدلی (۰/۳۸۳)، خودابرازی (۰/۱۱۴) می باشد. هر چند تأثیر آموزش فلسفه بر ابعاد حل مسئله، خوش بینی، احترام، مسئولیت پذیری و خودابرازی معنادار نبود.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه (۱) : آموزش فلسفه بر هوش هیجانی زنان شرکت کننده در همایش دیدن تأثیر دارد.

به منظور بررسی تأثیر آموزش فلسفه بر هوش هیجانی زنان شرکت کننده در همایش دیدن از آزمون تحلیل کواریانس استفاده گردید. که نتایج نشان داد اختلاف معناداری بین میانگین نمرات هوش هیجانی دو گروه در پس آزمون وجود دارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم اختلاف بین دو گروه رد می شود. در واقع می توان گفت که میانگین هوش هیجانی در گروه آزمایش بیشتر از عملکرد گروه کنترل بوده است و افزایش چشمگیری داشته است. در این زمینه پژوهشی که تا حدودی با یافته های این پژوهش مشابه است، مربوط به سید نصیری و داوودی (۱۳۹۵) می باشد که در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که آموزش فلسفه بر مهارت های زندگی تأثیر مثبت و معناداری دارد. فضای برگزاری آموزش فلسفه به گونه ای است که شرکت کنندگان آزادانه نظرات خود را در محیطی که صمیمانه، دوستانه و بی قضاوت است بیان می کنند و این منجر می شود زنان شرکت کننده در همایش دیدن بسیاری از مهارت ها را به بهترین نحو ممکن، فرا بگیرند. در همین زمینه می توان گفت ایجاد شرایط مساعد برای رشد هوش هیجانی، مستلزم وجود جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس است. افراد باید بتوانند با آسودگی در جمع به اظهار نظر بپردازند و بدون نگرانی، هر سؤالی را که در ذهن دارد مطرح کند و این مهم با مدرسین خشک و غیر صمیمی یا فضاهای پر قضاوت و اضطراب آور امکان پذیر نمی شود. فلسفه، با تحریک هوشیاری زنان، مراحل تفکر قسمت چپ مغز را فعال می کند و موجب تقویت پیغام ها از نیمکره چپ مغز به مرکز هیجانی می شود، عقاید و مفاهیم جدید انگیزش لازم را برای تحریک افراد و در نتیجه ایجاد اتصالات نورونی جدید ایجاد می کند (عبدی، کریمی نودهی، ۱۳۹۵). برای درک تسلط مقتدرانه هیجان ها بر ذهن خردورز - و چرایی در هم افتادگی احساسات و منطق، نحوه تکامل مغز مورد بررسی قرار می گیرد. اندازه مغز انسان که از حدود ۱۳۵۰ گرم یاخته عصبی و مایع سلولی تشکیل می شود، تقریباً سه برابر مغز بستگان نزدیک او در چرخه فرگشت، یعنی نخستین های غیر انسان است. در طول میلیون ها سال فرگشت، مغز از پایین به سمت بالا تکامل یافته و مراکز بالاتر آن از بسط و تفصیل قسمت های پایین تر و کهن تر به وجود آمده اند. به گونه ای که رشد مغز در جنین انسان تقریباً همین مسیر تکاملی را طی می کند. ابتدایی ترین بخش مغز در تمام گونه های عصبی شان، ساقه مغز است که قسمت فوقانی نخاع شوکی را احاطه کرده است. ریشه مغز، اعمال حیاتی ابتدایی مانند تنفس و سوخت و ساز اندام های دیگر بدن را تنظیم می کند و کنترل واکنش ها و حرکات قالبی را بر عهده دارد. نمی توان گفت که این مغز ابتدایی، فکر می کند یا قدرت یادگیری دارد؛ بلکه بیشتر مجموعه ای از تنظیم کننده های از قبل برنامه ریزی شده است که بدن را آن گونه که باید به حرکت وامی دارد و به گونه ای واکنش نشان می دهد که ادامه حیات را ممکن سازد (برادران تمدن، احمدی، حسینی، مهرابیان، ۱۳۹۳). داشتن دانش و آگاهی درباره احساسات و هیجانات برای افراد الزامیست. باید محیطی را ایجاد کرد که همه به بیان احساسات خود بپردازند. از افراد خواسته شود احساسات خود را نقاشی کند یا به زبان بیاورد. احساس امنیت و فضای حمایتی نیز به این روند کمک خواهد کرد. هوش هیجانی به دلیل کاربردهایی که دارد و بخصوص در مورد زنان از جایگاهی ویژه برخوردار است. هوش هیجانی به زنان کمک می کند تا در موقعیت های تهدید کننده و خطرناک، واکنش مناسب تری برای نجات خود انجام دهند. همچنین با کمک هوش هیجانی می توانند به ریشه های غم و شادی در خود پی ببرند و آن را مدیریت کنند. حساسیت و هوش هیجانی بالاتر به زنان کمک می کند تا نیازهای دیگران را درک، حداقل با همدلی به آن ها کمک و با کنترل بر احساسات خود، حس مسئولیت پذیری را در خود تقویت کنند. در مجموع، هوش هیجانی به خصوص به زنان کمک می کند تا یادگیری بهتری داشته و خوشحال تر، سالم تر و موفق تر باشند (میر دریکوندی، ۱۳۹۰).

فرضیه (۲) : آموزش فلسفه بر ابعاد هوش هیجانی زنان شرکت کننده در همایش دیدن تأثیر دارد.

به منظور بررسی تأثیر آموزش فلسفه بر ابعاد هوش هیجانی زنان شاغل شرکت کننده در همایش دیدن از آزمون تحلیل کواریانس استفاده گردید. که نتایج نشان داد اختلاف معناداری بین میانگین نمرات هوش هیجانی و ذهن آگاهی دو گروه در پس آزمون وجود دارد. بنابراین فرض صفر مبنی بر عدم اختلاف بین دو گروه رد می شود. در واقع می توان گفت که میانگین ابعاد هوش هیجانی و ذهن آگاهی در گروه آزمایش بیشتر از عملکرد گروه کنترل بوده است و افزایش چشمگیری داشته است. هر چند تأثیر آموزش فلسفه بر ابعاد حل مسئله، خوش بینی، احترام، مسئولیت پذیری و خودابرازی معنادار نبود. در این زمینه پژوهشی که تا حدودی با یافته های این پژوهش مشابه است، مربوط به سید نصیری و داوودی (۱۳۹۵) می باشد که در پژوهش خود به این نتایج رسیدند که آموزش فلسفه بر مهارت های زندگی تأثیر مثبت و معناداری دارد. شاید بتوان گفت که نتایج نیز با یافته های حاتمی و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی دارد که در پژوهش خود نشان داد که این برنامه افزایش معناداری در هوش هیجانی، مهارت های بین فردی و توانایی سازگار شدن داشته است. هر چند ابعاد مورد بررسی در پژوهش آنها تا حدودی متفاوت تر از این

پژوهش بوده است. در واقع آموزش فلسفه باعث می شود که افراد شرکت کننده در همایش بتوانند راحت تر مسائل و مشکلات خود را حل کنند. احساس استقلال بیشتری در انجام کارها داشته باشند و کارهای خود را بهتر انجام دهند. در برخورد با دیگران و مسائل و مشکلات خود واقع گرا باشند. به دیگران احترام بگذارند و روابط بین فردی را با دوستان خود تقویت کنند و در نهایت خویشتنداری پیشه کنند و انعطاف پذیری لازم در انجام کارها و فعالیت ها داشته باشند (گل محمدی آذر، ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۹). گلمن^۹ از مؤلفان هوش هیجانی، در مصاحبه‌ای اظهار می‌دارد که «هوش شناختی» در بهترین شرایط، تنها عامل ۲۰ درصد از موفقیت‌های زندگی است. ۸۰ درصد موفقیت‌ها به عوامل دیگر وابسته است و سرنوشت افراد در بسیاری از موقعیت‌ها، در گرو مهارت‌هایی است که هوش هیجانی را تشکیل می‌دهند. هوش هیجانی بهترین پیش‌بینی‌کننده موفقیت افراد در زندگی و نحوه برخورد مناسب با استرس‌هاست، هوش هیجانی با توانایی درک خود و دیگران (خودشناسی و دیگرشناسی)، ارتباط با مردم و سازگاری فرد با محیط پیرامون خویش، پیوند دارد. به عبارت دیگر، هوش غیرشناختی پیش‌بینی موفقیت‌های فرد را میسر می‌کند و سنجش و اندازه‌گیری آن به منزله اندازه‌گیری و سنجش توانایی‌های شخص برای سازگاری با شرایط زندگی و ادامه حیات در جهان است. با وجود شهرت سریع این مفهوم، تحقیقات تجربی در این زمینه، تازه در آغاز راه خود است (عظیمی، شفائی، صفری، صدقی، ۱۳۹۴).

منابع و مراجع

- [1] Du Preez, Johannes G. A. (2012) The relationship between the emotional intelligence domains and driver behaviour in ESKOM: an adult education perspective, Dissertation submitted in fulfilment of the requirements for the degree M.A, In Higher Education, University of the Free State Bloemfontein.
- [2] Falahi, [Shahla (2015) "Comparing the Emotional Intelligence and Driving Behaviors between the Safe and Risky Drivers of Marivan Township", Specialty Journal of Psychology and Management, 1 (4): 60-69.
- [3] Peterson, Micheal, (1991), Reason and Religious Belief, New York, Oxford, Oxford University Press.
- [3] ابراهیمی مقدم، حسین، فکرتی، میهن. (۱۳۹۴). تعیین سهم مولفه های هوش هیجانی و سبک های فرزند پروری در پیش بینی حالات مثبت روانشناختی، فصلنامه علوم پزشکی دانشگاه لرستان، ۱۷(۱)؛ ۸۷-۹۴.
- [۵] امیری نیا، محمود (۱۳۹۳) هیجان رفتار و تن گفتار، نشر آراسته، صفحه ۳۹۲، شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۰۸-۸۴-۸، نشریه هوش، زبان و هیجان رفتار، ۶ تیرماه ۱۳۹۳.
- [۶] بابا گلی، مرضیه، بلاغت، سید رضا، (۱۳۹۵) مطالعه رابطه روح فلسفی و هوش معنوی با کیفیت تدریس معلمان مقطع متوسطه مقاله علمی پژوهشی مقاله ۱، دوره ۱۳، شماره ۲۳، ص ۲۰-۱.
- [۷] بردران تمدن راحله، احمدی سلیمان، حسینی محمد علی، مهرابیان فردین. (۱۳۹۳) بررسی هوش هیجانی دانشجویان پزشکی و دندانپزشکی واحد بین الملل دانشگاه علوم پزشکی گیلان در سال ۱۳۹۲. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۱۳۹۳؛ ۶(۲): ۱-۱۰.
- [۸] پاشا، رضا، گلشکوه، فرزانه، (۱۳۹۶) در تحقیقی که با عنوان تاثیر هوش هیجانی بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی، دانش آموزان دارای اختلالات هیجانی رفتاری مقاله علمی پژوهشی مجله مطالعات ناتوانی. ۱۳۹۶؛ ۷: ۳۴-۳۴.
- [۹] پینل، جان (۲۰۱۱) روانشناسی فیزیولوژیک ترجمه فیروز بخت، مهرداد (۱۳۹۲) تهران انتشارات ویرایش.
- [۱۰] تقی پورظهیر، علی؛ توکلی، رؤیا (۱۳۹۰). بررسی رابطه ذهنیت فلسفی با عملکرد دبیران مدارس متوسطه آموزش و پرورش منطقه ۴ تهران. مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی، ۶، صص ۸۰-۶۳.
- [۱۱] خنیفر، حسین، پور حسینی، مزده (۱۳۹۶) مهارت های زندگی تهران انتشارات رشد چاپ دوم.

- [۱۲] زارعی‌متین، حسن؛ خیراندیش، مهدی؛ جهانی، حوریه (۱۳۹۰). شناسایی و سنجش مؤلفه‌های هوش معنوی در محیط کار؛ مطالعه موردی: در بیمارستان لبافی‌نژاد تهران، پژوهش‌های مدیری عمومی، ۱۲، ۹۴-۷۱.
- [۱۳] سیدنصیری، آریتا و حسین داوودی، ۱۳۹۵، اثربخشی برنامه‌های آموزش فلسفه بر مهارت‌های زندگی زنان شرکت‌کننده در همایش دیدن، دومین همایش ملی روانشناسی و علوم تربیتی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.
- [۱۴] عدالت مقدم، معصومه، زارع داویجانی، علیرضا (۱۳۹۵) رابطه بین پیشرفت افراد در زندگی و هوش هیجانی پایان نامه کارشناسی ارشد دانشجوی رشته روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، واحد دورود.
- [۱۵] عبدی، حسن، کریمی نودهی، مهدی، (۱۳۹۵) بررسی تطبیقی چیستی آگاهی از دیدگاه فیلسوفان ذهن معاصر و فلسفه اسلامی با تاکید بر حکمت متعالیه پایان نامه غیر دولتی - مؤسسه‌های آموزش عالی غیردولتی - غیرانتفاعی - دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام - دانشکده الهیات و معارف اسلامی . ۱۳۹۵. کارشناسی ارشد.
- [۱۶] عظیمی، محمد، شفائی، امیر، صفری، صابر، صدقی، فردین (۱۳۹۴) تاثیر هوش هیجانی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و یادگیری دانش‌آموزان مقاله محل انتشار: سومین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران کد مقاله PSCONF ۰۳-۱۵۰.
- [۱۷] گل محمدی آذر، ابو‌افضل، ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۹) کاربرد ذهن فلسفی و روش فلسفی عامه در زندگی نشریه فلسفه و کلام (حکمت فلسفه) دوره ۱ شماره ۳ ص ۷۳-۱۲۱.
- [۱۸] محمدخانی، شهرام و رقیه، باش قره (۱۳۸۷)، رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای با سلامت عمومی دانشجویان، فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، دوره دوم، شماره اول، بهار، ۳۷-۴۷.
- [۱۹] مرعشی، منصور، سنجرى، هادی، صفایی مقدم، مسعود، الهام پور، حسین (۱۳۹۵) بررسی رابطه ذهنیت فلسفی با هوش معنوی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز مقاله علمی پژوهشی مقاله ۶ دوره ۱۲ شماره ۲ ص ۱۴۵-۱۶۴.
- [۲۰] میر دریکوندی، رحیم، (۱۳۹۰) هوش هیجانی پیشینه و رویکرد‌ها از نگاه دین و روانشناسی مقاله علمی پژوهشی سامانه نشریات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی سال چهارم شماره سوم ص ۹۷-۱۲۷.
- [۲۱] نریمانی، محمد، زاهد، عادل، (۱۳۹۱) رابطه ذهن آگاهی، سبک‌های مقابله‌ای و هوش هیجانی با سلامت روانی در دانشجویان مقاله علمی پژوهشی مقاله ۶، دوره ۵، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۱، صفحه ۱۰۵-۹۱ اصل مقاله (K ۲۱۷).
- [۲۲] هاشمی، جمشید، (۱۳۹۶) مهارت‌های کاربردی زندگی تهران: انتشارات رشد .